گام هفتم موفقیت با تأخیر!

وقتی در چهاردهم آذر ماه ۱۳۸۲ قرعه‌کشی مرحله اول مقدماتی جام جهانی ۲۰۰۶ در شهر فرانکفورت برگزار می‌شد، هدایت تیم ملی بر عهده برانکو ایوانکوویچ بود.

مردی ساکت و آرام ملقب به پروفسور که همه از او به‌عنوان مغز بلاژویچ یاد می‌کردند. پس از رفتن چیرو، برانکو ماند و قهرمان بازی‌های آسیایی بوسان شد. با تغییر رئیس فدراسیون، همایون شاهرخی جانشین برانکو شد اما نتایج او و علاقه مردم به پروفسور کروات باعث شد برانکو برگردد. حالا او به‌عنوان نفر اول باید مأموریت ناتمام استادش در رساندن ایران به جام جهانی را تکمیل می‌کرد.



لبه تیغ

۳۲ متقاضی از قاره آسیا در ۸ گروه ۴ تیمی با سیدبندی تقسیم شدند. ایران در گروه اول به‌عنوان سید یک با لائوس، قطر و اردن همگروه شد. از هر گروه یک تیم صعود می‌کرد.

مسابقات مرحله نخست به‌صورت رفت و برگشتی از بهمن ۸۲ تا شهریور ۸۳ طول کشید. ۸ تیم برتر خود به دو گروه تقسیم و از بهمن ۸۳ برای کسب چهار و نیم سهمیه قاره آسیا رقابت می‌کردند، دو تیم برتر هر گروه مستقیم و تیم‌های سوم به مسیر پلی‌آف می‌رفتند. مسیری که ایران و برانکو هیچکدام دوست نداشتند!

برانکو با ۲۵ بازیکن و با همفکری دستیارانش حسین فرکی و فخرالدین بگوویچ کار را آغاز کرد؛ میرزاپور، رحمتی، واعظی، رودباریان، سیدعباسی، نیکبخت، عنایتی، قربانی، دایی، کاویانپور، گل‌محمدی، کعبی، کاظمیان، امیرآبادی، نصرتی، نکونام، برهانی، بداوی، کاملی‌مفرد، مبعلی، نوید کیا، علی کریمی، زندی، رحمان رضایی و مهدوی کیا.

ایران پس از دو پیروزی مقابل قطر و لائوس دیدار رفت برابر اردن را در ورزشگاه آزادی باخت تا صعودش به جمع ۸ تیم برتر به خطر بیفتد اما حضور در جام ملت‌های آسیا ۲۰۰۴ و درخشش تیم ملی باعث شد فرصت تازه‌ای به مرد کروات داده شود.



دستور مستقیم

اگر دخالت مقامات عالیرتبه ورزش در امور فنی تنها یک بار و یک جا مفید واقع شده باشد، همین مورد بود! برانکو به لجبازی مشهور و چشم بر روی ستاره‌ای همچون خداداد عزیزی بسته بود و از آن طرف وحید هاشمیان نیز حاضر نبود با او طرف معامله شود!

با دستور مستقیم مهرعلیزاده (رئیس وقت سازمان تربیت بدنی) محمد دادکان به‌عنوان رئیس فدراسیون به آلمان رفت و با خود وحید هاشمیان را - که بازیکن بایرن مونیخ بود - به تیم ملی آورد. او خداداد را هم به هتل برد و روز سرنوشت همین دو بازیکن تفاوت‌ها را رقم زدند.

۱۸ شهریور ۸۳ پادشاه اردن - که کشورش را به خاطر این مسابقه تعطیل کرده بود - در ورزشگاه نشسته و هر نتیجه‌ای بجز پیروزی در حکم حذف ایران بود که با درخشش خداداد و هاشمیان و گل‌های نیکبخت و دایی بردیم.

پس از آن نیز در همین شرایط در دوحه با گل‌های هاشمیان روی پاس بی‌نظیر خداداد این میزبان را نیز شکست دادیم تا مرد کروات به سلامت راهی دور نهایی شود!

فاجعه در جشن

چهارشنبه ۲۱ بهمن ۸۳ مرحله نهایی برای ایران در منامه آغاز شد، همان جایی که ۴ سال قبل شانس صعود را از ایران و برانکو گرفته بود. ایران در این مرحله با بحرین، ژاپن و کره شمالی همگروه شده و در آن گروه عربستان، کره جنوبی، کویت و ازبکستان با هم بازی می‌کردند.

پس از تساوی بدون گل در بحرین، پنجم فروردین ۸۴ ایران در آزادی با دبل وحید هاشمیان ژاپن را با برد اما متأسفانه هنگام خروج ۱۲۰ هزار نفر از ورزشگاه پنج نفراز هموطنان در ازدحام زیر دست و پا جان خود را از دست دادند تا این جشن در نوروز جای خود را به عزا بدهد. پس از پیروزی بر کره شمالی، ۱۳ خرداد در شروع دور برگشت دوباره کره شمالی را با گل رحمان رضایی بردیم و ۱۸ خرداد با پیروزی یک بر صفر در آزادی مقابل بحرین جشن سومین صعود برپا شد.

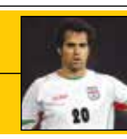
صعود بی‌دردسر

در دو بازی آخر مدافعان برای ایران گل زدند اما در فوتبال این نتیجه است که می‌ماند و ملاک است! سومین صعود ایران به جام جهانی خاطره ۱۹۷۸ را زنده کرد چرا که بازی برگشت در ژاپن تشریفاتی شده و این دو به‌صورت مستقیم صعود کرده بودند. دیداری که ۲۶ مرداد ۸۴ به تنها شکست ایران تبدیل شد، علی دایی زننده تک گل ما بود و ابراهیم میرزاپور به اشتباه دروازه خودی را گشود!

لجبازی!

برانکو وقتی در خطر بود مخالفتی با دستور بالادستی‌ها نکرد اما همین که شرایط به نفع او چرخید دوباره خواسته‌اش را تحمیل و با شناختی که از روحیات بازیکنان ایرانی داشت خیلی راحت خداداد را کنار گذاشت!

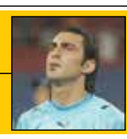
او با کاظمیان، مبعلی، عنایتی و سایر ستاره‌های لیگ هم لجبازی می‌کرد و اجازه نمی‌داد کسی حاشیه امنیت ۱۱ نفر مورد علاقه‌اش را تهدید کند. صد البته همین رفتار تیم ملی را دو پاره و در جام جهانی لطمه‌اش را خوردیم.



محمد نصرتی
بازیکن تیم ملی ۲۰۰۶



رحمان رضایی
بازیکن تیم ملی ۲۰۰۶



حسن رودباریان
بازیکن تیم ملی ۲۰۰۶